



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۵/۰۱

مرکز ملی هماهنگی افغانها

خطوط اساسی یک صلح پایدار در افغانستان

مرکز ملی تفاهم و هماهنگی برای صلح و دیموکراسی افغانستان (مرکز ملی هماهنگی افغانها)

۱۳ حوت ۱۳۹۷

مرکز ملی هماهنگی افغانها پیشنهادات ذیل را به دولت افغانستان، شورای مشورتی، به تمام جوانب ذیدخل پروسه صلح افغانستان، سازمان ملل متحد، و قوای ناتو و کشور های ذیدخل معطله افغانستان تقدیم مینمایند. امیدواریم این پیشنهادات در حل معطله مغلوق افغانستان و تامین یک صلح با ثبات در افغانستان کمک نماید. ما در تطبیق این مواد با تمام توانمندی های اجتماعی که در جامعه خویش داریم حاضر به همکاری مینماییم.

الف - عوامل جنگ:

- ۱- آغاز و ادامه جنگ مسلحانه موجود در کشور عمدتاً در نتیجه قیام جنبش طالبان در اصل بر ضد دولت جمهوری اسلامی افغانستان و در ظاهر به ضد حامیان بین المللی آن بخصوص ایالات متحده امریکا میباشد؛
- ۲- جنبش طالبان در ظاهر دلیل قیام خود را جهاد برای ختم اشغال نظامی افغانستان توسط ایالات متحده امریکا قلمداد مینمایند؛
- ۳- طالبان دولت موجوده افغانستان را به عنوان یک دولت مشروع برسمیت نشناخته، آنرا دست نشاندۀ امریکا دانسته حاضر نیستند مستقیماً با آن به عنوان جانب مقابل مذاکره کنند؛
- ۴- موقعیت ستراتیژیک افغانستان همیشه ابر قدرت ها را برای کسب تسلط جهت پیشروی خود و محاصره مخالفین شان وادار به اشغال این کشور نموده و مینمایند؛
- ۵- کشف منابع سرشار طبیعی افغانستان بشمول آب، انرژی و معادن وسیع این کشور سبب جلب توجه و رقابت بین کشورهای مقتدر جهان و منطقه گردیده است؛
- ۶- کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر که زمینه مداخلات سیستم های مافیایی جهانی را مساعد ساخته، برای ادامه و رشد این اهداف، ای گروه های مافیایی همیشه در تلاش از بین بردن صلح و استقرار نظام در افغانستان می گردد؛
- ۷- غربت، بی سوادگی، بیکاری و علاقه مندی نا خیرانه و افراطی افغانها به اسلام که همیشه قربانی اسلام گردیده است، وسیله مؤثری برای ادامه جن گ میباشد؛
- ۸- ادامه این جنگ نیابتی، افغانستان را برای فعالیتهای سایر گروه های تروریستی مانند داعش و سایر افراد و گروههای تروریستی کشورهای آسیای مرکزی نیز مساعد نموده است؛
- ۹- دلایل ادامه موجودیت نظامی امریکا و متحدان ناتوی آن در افغانستان مقابله با تهدید تروریزم بین المللی القاعده در منطقه و حمایت از دولت افغانستان برای جلوگیری از احتمال تبدیل شدن دوباره افغانستان به یک کشور امن برای القاعده و سایر گروههای تروریستی بیان شده است؛
- ۱۰- مزید برآن، استفاده از موقعیت ستراتیژیک افغانستان در حاشیه جنوبی آسیای مرکزی برای مقابله با نفوذ روز افزون منطقوی و جهانی قدرت نظامی روسیه، چین و ایران، ادامه موجودیت پایگاههای نظامی امریکا را در افغانستان توجیه میکند؛
- ۱۱- پالسی های ناقص و ناکام جامعه بین المللی در افغانستان که به عوض حمایت از یک دولت مرکزی قوی، با دوباره به قدرت رسانیدن تمام نیروهای جن گجو، و غارت گر به اساس توافق نا درست بن بحیث یک افزار بسا خطرناک استفاده نموده، که سبب ضعف اداره مرکزی و بوجود آمدن جزیره های بی شمار قدرت در ولایات مختلف گردیده است. این ناقصین حقوق بشر با استفاده ازین پدیده شوم، و همکاری بین المللی شان نه تنها تمام دارای های ملی را بغارت برده، و تمام کومک های بین المللی را با مشارکت با رفقای چپاول گر بین المللی شان چور و چپاول نموده، به حیثیت و ابروی نظام لطمه شدید وارد و برای حفظ این دارای های غیر قانونی شان هنوز هم به زور گویی و اعمال نفوذ استفاده مینمایند؛

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له اليرلو مخکې په خیر و لولی

- ۱۲- همین چپاول گران حرفوی، علاوه بر جالب حمایت ممالک همسایه از هر نوع تخریب بر علیه نظام صرفه نمی نمایند. که موجودیت این ستون پنجم در نظام باعث ادامه و پیرفت های مزید جن گ جویان طالب گردیده است.
- ۱۳- جنبش طالبان در ادامه این جنگ در افغانستان از حمایت همه جانبه سازمانهای استخباراتی، نظامی و اردوی پاکستان برخوردار است؛
- ۱۴- تهدید نفوذ داعش به کشورهای آسیای مرکزی و ایران از راه افغانستان کشورهای روسیه و ایران را به حمایت از طالبان برای مقابله به این تهدید واداشته است؛
- ۱۵- مزید بر آن ستراتیژی متزلزل کردن موجودیت قرارگاه های نظامی امریکا در افغانستان برای طویل المدت کشورهای روسیه، ایران و چین را به حمایت پنهانی از طالبان واداشته است؛
- ۱۶- همسایه های افغانستان موجودیت یک دولت مرکزی توانمند در افغانستان را برخلاف منافع شان توجه نموده و به همه توانمندی های شان برای جلو گیری از صلح، و ایجاد یک دولت ملی به ادامه و شدت جنگ در افغانستان تلاش مینمایند؛
- ۱۷- پدیده چند سره داعش، مقابله و در عین زمان استفاده ابزاری از آنها توسط استخبارات کشورهای مختلف، به پیچیدگی بحران در افغانستان افزوده است؛
- ۱۸- عوامل و شرایط بالا ادامه بحران و جنگ را در افغانستان پیچیده ساخته و ناگذر راههای حل آنرا هم مغلط نموده است؛
- ۱۹- جنبش طالبان در تعیین ستراتیژی رسیدن به یک توافق صلح ناگذیر به مراعات اهداف ستراتیژیک حامیان خود میباشد؛ که این عمل خود پروسه صلح را دشوارتر مینماید؛
- ۲۰- در حالیکه ترکیب طالبان متنوع بوده و عده زیادی ان وطن دوست و خلاف ادامه جنگ در کشور اند، متأسفانه انهای که دارای چنین عقاید اند، یا از از پروسه صلح دور نگهداشته شده و ویا صلاحیت های لازم را ندارند؛
- ب - واقعیت های عینی :**
- ۱- ضرورت مقطعی قوایی بین المللی ناتو در افغانستان، که وسیله مؤثری برای جلو گیری مداخلات مزید کشور های همسایه خصوصاً پاکستان و ایران گردیده است، دولت افغانستان را نا گزیر مجبور به حمایت از موجودیت آنها در افغانستان مینماید؛
- ۲- پافشاری طالبان بالای خروج قوای ناتو خواسته خود طالبان نه بلکه یک خواسته تریزیک شده کشورهای همسایه و منطقه می باشد. چون آنها میدانند که در صورت خروج قوای ناتو دولت افغانستان شاید توانمندی دفاع از خود را نداشته و آنها دوباره به هدف عمق ستراتیژیک شان مثل سالهای ۱۹۹۲-۲۰۰۱ متوصل گردند؛
- ۳- طرفداری از طالبان از طرف چین، روسیه و کشور های دی گر منطقه برای مجادله با داعش، که یک پدیده مجهولالهیوت و مجهولالمنبع برای نا آرام سازی این ممالک براه انداخته شده است، جن گیدن طالبان با داعش و متهم نمودن دولت افغانستان برای همکاری با داعش وسیله خوبی تبلیغاتی طالبان به ضد دولت و جلب طرفداری ممالک منطقه گردانیده است؛
- ۴- جنبش طالبان در ادامه جنگ در افغانستان از امکانات وسیع پولی، بانکی، اطلاعاتی، مخابراتی، پلانگذاری، سوق و اداره، لوژستیک، ترانسپورتی، تعلیماتی، صحتی، موجودیت پناهگاههای امن، تهیه و ذخیره اسلحه، تجهیزات و مهمات نظامی در خاک پاکستان استفاده میکند؛
- ۵- طالبان امریکا را جانب مستقیم مقابل مذاکره کننده دانسته و امید وار اند تا با امریکا برای ختم جنگ به توافق رسیده و در نتیجه دولت امریکا نیروهای امنیتی افغانستان را خلع نموده دولت افغانستان را به آنها واگذار نماید؛
- ۶- دلایل پشت پرده حمایت وسیع سیاسی و نظامی پاکستان از طالبان احیای مجدد یک دولت کاملاً وابسته در افغانستان میباشد تا این دولت عمق ستراتیژیک لازم را برای پاکستان در مقابل هند فراهم نماید؛
- ۷- پاکستان از موجودیت دولتهای وابسته در افغانستان با رویکار آمدن دولتهای مجاهدین و طالبان بین سالهای ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۶ برخوردار بود؛
- ۸- ادامه و مدیریت جنگ در افغانستان برای دولت و اردوی پاکستان پر مصرف نیست. جنبش طالبان در ادامه جنگ در افغانستان بر علاوه عواید کشت و قچاق تریاک و سائر منابع داخلی عایداتی، از کمکهای پولی و سائر همکاریهای پنهانی یکتعداد کشورهای عربی، روسیه و ایران نیز برخوردار است؛
- ۹- دولت پاکستان اکثرأ و مکرراً از کمکهای نظامی امریکا برای ایجاد؛ تربیه و تجهیز طالبان و سایر گروههای تروریستی استفاده نموده است؛ وازین طبق کمک های سرشاری را برای بقا و نفوذ بیشتر نظام دیکتاتورانه خویش استفاده نموده و تروریزم را در منطقه و به هر کشوری مورد نظر صادر مینماید؛
- ۱۰- انواع و طرز فعالیت گروههای تروریستی در منطقه وقتاً فوقتاً تغییر نموده واین امر از طرف مراجع معشوش طوری ترتیب میگردد که تمام مردم افغانستان و منطقه را گیج و سبب عدم اعتماد بالای یکدیگر و جامعه بین المللی گردیده است؛
- ۱۱- از سالها به این طرف سازمان استخبارات نظامی پاکستان به تحقق دو سناریو دلبنسته است:

یک: خروج اجتناب ناپذیر امریکا از افغانستان؛
دو: سقوط اجتناب ناپذیر دولت افغانستان. بنابراین سازمان استخبارات نظامی پاکستان حاضر است منتظر بماند و از این رهگذر هیچ عجله برای دستیابی به یک توافق صلح در افغانستان ندارد؛
۱۲- در نتیجه طالبان حاضر خواهند شد، تا در مذاکرات به اصطلاح "بین الافغانی" صلح با دولت افغانستان نه به عنوان یک دولت بلکه به عنوان یک طرف سیاسی در پهلوی سائر احزاب سیاسی سهم بگیرند؛
۱۳- به نظر میرسد که رئیس جمهور اشرف غنی مخالفت خود را با طرح موجود صلح به زلمی خلیل زاد نماینده وزارت خارجه امریکا ابراز داشته است؛

ج - پیشنهادات گنگ و قابل توجهات مختلف:

- ۱- شعار تشکیل حکومت اسلامی از جانب طالبان گمراه کننده است، چون دولت فعلی و قانون اساسی موجوده نیز اسلامی میباشند!
- ۲- به نظر میرسد که گروههای اشتراک کننده در کنفرانس اخیر صلح مسکو، دولت امریکا و روسیه با این طرح مخالف نیستند؛
- ۳- جنبش طالبان خود را "امارت اسلامی" ساقط شده در سال ۲۰۰۱ قلمداد میکند؛ اما تا الحال نتوانسته یک تصویر روشنی از اسلام دلخواه شان به مردم ارایه نمایند.
- ۴- امتیاز دادن برای طالبان آنها را به این باور متکی نموده اند که در نتیجه همچو مذاکرات طالبان به عنوان جانب برنده حکومت آینده افغانستان را تشکیل میدهند و آنها در مقابل اجازه میدهند سائر گروههای سیاسی نیز در دولت آنها اشتراک داشته باشند؛ که گرفتن چنین موضوعی گیری یک امر غیر عملی بنظر می رسد.
- ۵- به نظر میرسد که بعد از چندین دور مذاکرات مستقیم با امریکا برای طالبان یک تصور نادرست تسلیمی دولت افغانستان از جانب امریکا به طالبان ارایه شده که بجز از یک خیال ناممکن چیزی دیگری نیست؛
- ۶- منحل ساختن نیروهای امنیتی افغانستان؛ منحل نمودن قانون اساسی و شورای ملی؛ و به عوض آن تاسیس یک شورای علما از طرف طالبان که این شورا قانون اساسی آینده اسلامی را تصویب خواهد کرد؛ همه پلان های پشت پرده پاکستان بوده که در خفا پرده از زبان طالبان برمی آیند.
- ۷- طالبان واضح ساختند که به حقوق سیاسی و اجتماعی مردم و حقوق زنان در حدود احکام شریعت اسلامی موافقه دارند؛ اما این حدود به تعبیر آنها مرتبط بوده، در مورد وضاحت وجود ندارد.
- ۸- طالبان واضح ساختند که میخواهند قانون اساسی موجوده "اصلاح" شود اما واضح نساختند که با کدام مواد قانون اساسی موافق نیستند؛
- ۹- باید طالبان برداشت خود را از آنچه "ارزشهای اسلامی" در مورد حقوق زنان میدانند و همچنان برداشت خود را از آنچه "اصول اسلامی" از حقوق اساسی سیاسی مردم و آزادی بیان می پندارند روشن سازند و توضیح دهند که به ارتباط این دو مورد مشکل آنها با مواد مندرجه قانون اساسی چه میباشد!
- ۱۰- طرح شورای علمای طالبان یک طرح غیر لزومی، گنگ و غیر قانونی بوده، نظام افغانستان را از مسیر قانون تغییر داده میتواند.
- ۱۱- از جانب دیگر مولوی عباس نماینده طالبان در صحبت های شان خود را کل تصور نموده بدیگران حق مشارکت را ارایه مینماید. که این طور صحبت ها بجز از زور گویی و اضافه گویی افراطی چیزی دی گری شده نمیتواند.

د - نواقص پروسه و پیشنهادات موجود:

- ۱- دایر نمودن مذاکرات در کشور های دخیل معضله یکی از مشکلات بوده و نه باید ادامه نمایند.
- ۲- تمام گروههای سیاسی و افرادی که بر اساس قانون اساسی در افغانستان فعالیت میکنند منافع مشترک دارند و باید با صدای واحد با گروه طالبان مذاکره کنند؛
- ۳- تنزیل مقام دولت افغانستان به حد یک تنظیم سیاسی خلاف منافع مردم کشور و به نفع طالبان طرح ریزی شده است؛
- ۴- اشتراک عده از گروههای بنام جهادی که جز از غارت گران؛ جنگجویان نمی باشند؛ و اصولاً حق راجستر شدن به حیث یک جریان متمدن و سیاسی را ندارند؛ مسله صلح را بیشتر دشوار نموده است.

ه - خطوط سرخ:

- ۱- نگهداشت نظام و یک نظام توانمند مرکزی
- ۲- جلوگیری از هر نوع حکومت های انتقالی
- ۳- احترام و تطبیق اصول علیا دیموکراسی و شایسته سالاری به اساس انتخاب مردم و جلوگیری همه جانبه از تقسیم قدرت به اساس حزب. قوم، زبان، و اشتراک در جنگ بنام جهاد و مقاومت، که منشه و سبب تمام بدبختی های جامعه ما گردیده است.

- ۴- جلوگیری از کسب، انحصار و ارثی ساختن مقام ها، صلاحیت ها و کسب هر نوع امتیازات دیگری بنام جهاد، مقاومت برای غصب و یا ادامه و تحفظ قدرت و سرمایه بر اساس برسر اقتدار نمودن اشخاص و گروه های که در ۱۸ سال گذشته ملک را تاراج نموده، مردم را پرغمل گرفته صلح و نظام را تهدید و در انحصار خود نگه میدارند.
- ۵- تامین عدالت و رعایت تمام حقوق بشری اصول بنیادی غیر قابل معامله می باشد. افغانها نمی توانند تعریفات گنگ و سرنوشت نا معلوم را تحت نام صلح را بپذیرند.
- ۶- لغوه و جلوگیری از تمام تشکیلات های نظامی که بطور غیر قانونی خود را تحت نامهای احزاب سیاسی کتمان و راجستر نموده اند.
- ۷- تامین و تضمین با اعتماد حفظ استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان
- ۸- تامین حفظ و مراقبت جدی از تمام سرحدات افغانستان و جلوگیری مؤثر از نفوذ گروه های تروریستی در افغانستان
- ۹- زمینه سازی برای اشتراک سیاسیون سالم افغان که برای سالهای زیادی از صحنه سیاسی بدور رانده شده اند.
- و - پیشنهادات :**

اول - پیشنهادات پروسوی :

- ۱- تدویر مذاکرات چند جانبه بین الافغانی گروه های سیاسی و دولت با طالبان
- ۲- تدویر لویه جرگه مشورتی صلح یک راه حل درست و منطقی بوده، تمام گروه های سیاسی و افرادی که بر اساس قانون اساسی در افغانستان فعالیت میکنند و منافع مشترک دارند باید از پیشنهاد تدویر لویه جرگه مشورتی صلح حمایت و با آن همکاری نمایند؛
- ۳- درین لویه جرگه مشورتی صلح به نمایندگان افغانهای مقیم در شهرهای بزرگ در دور دنیا فرصت و امکانات اشتراک فراهم گردد.
- دوم - پیشنهادات محتوایی :**

- ۱- افغانستان بحیث یک ملت واحد ، آزاد، مستقل و ساحه غیر نفوذی (بفر) مثل سویس در بین ابرقدرت ها از طرف تمام ابر قدرت ها و قدرت های منطقوی شناخته شود.
- ۲- اصل حفظ و بقای دولت افغانستان و سازمانهای ملی امنیتی، قضایی، تعلیماتی و اداره دولت قابل مذاکره نبوده آنچه طرف مذاکره است چگونگی سهم ساختن عادلانه طالبان در اداره دولت و حیات سیاسی قانونی کشور میباشد؛
- ۳- قانون ثبت و راجستر شدن احزاب سیاسی در کشور تجدید نظر گردیده، وزارت عدلیه تمام اصول و مقررات تشکیل احزاب سیاسی را بدقت مطالعه، اصلاح و در تطبیق ان اقدامات جدی نموده ، تا تمام گروه های جنگی از صلاحیت های سیاسی محروم گردند.
- ۴- افغانستان با حمایت همه جانبه تمام کشور های ذیدخل در سطح ارتقایی اقتصادی و سیاسی همکاری شود، تا در آینده جلو هر نوع مداخلات و بهانه جویهای برای ابر قدرت های نزدیک و دور نگهداری گردد.
- ۵- خلع سلاح تمام گروه های نظامی و سیاسی سری و علنی
- ۶- ایجاد و گسترش پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی بین کشورهای منطقه که سبب از بین رفتن بیکاری، غربت و وسیله کاریابی وسیع برای مردم شده، در تامین ثبات اثرگذار خواهد بود.
- ۷- از تمام کشور های همسایه، منطقه و دور تضمین قابل الاجرا از عدم مداخلت در امور افغانستان گرفته شده و به صورت جدی نظارت و تطبیق گردد.
- ۸- دولت افغانستان منافع مشروع کشور های همسایه ، منطقه و ابر قدرت ها را در نظر گرفته ، و در راه پیشرفت کشور از یک توازن سالم قوا برای پیشرفت کشور در عرصه های تعلیم، صحت، تخنیک، نظامی، و اجتماعی استفاده نماید، تا سبب نفوذ بیشتر یک جهت و نارامی جوانب دیگر نگردد.
- ۸- در فیصله حق خود مختاری تمام مردم در کشورهای همسایه احترام گذاشته شده، عملی گردد.
- ۹- به طالبان پیشنهاد شود که در بدل ختم جنگ و شرکت در حیات سیاسی کشور از راههای صلح آمیز سهمگیری مساویانه و بیطرفانه آنها در انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات شورای ملی و شوراهای ولایات و ولسوالی ها با نظارت ملل متحد ضمانت خواهد شد؛
- ۱۰- ارزشهای آتی که دستاورد مردم افغانستان در هژده سال گذشته است نباید قربانی توافق سیاسی با طالبان گردند: اصل آزادی فکر و بیان و آزادی تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی؛
- ۱۱- اصل انتخابات آزاد و حکومت انتخابی مسول در مقابل پارلمان انتخابی مردم؛
- ۱۲- اصل دیموکراسی و شایسته سالاری در تمام امور و صلاحیت های کشور
- ۱۳- اصل عدالت اجتماعی و احترام به قانون اساسی کشور. و تطبیق همه جانبه قانون اساسی کشور بالای همه بیدون امتیاز.
- ۱۴- اصل بیطرفی فعال افغانستان در جهان
- ۱۵- اصل رعایت حقوق بشر در همه موارد.
- ۱۶- اصل غیر سیاسی نگهداشتن تمام قوای عدلی، امنیتی و تعلیمی

- ۱۷- اصول استقلالیت قوه قضائیه و آزادی مطبوعات ؛
- ۱۸- حقوق اساسی فردی که شامل مساوات حقوق زنان و مردان است باید تضمین گردد؛
- ۱۹- موجودیت و انکشاف معارف و تعلیم و تربیه همگانی ابتدائیه، ثانوی و عالی مطابق معیارهای بین المللی بطور مساوی برای زنان و مردان باید ضمانت گردد
- ۲۰- موجودیت خدمات صحی و دسترسی مساویانه به خدمات صحی برای زن و مرد باید ضمانت گردد.

ومن الله التوفیق